انترناسیونال ۷۰۴

**کنفرانس سران کشورهای صنعتی: منفعت طلبی بر حیات ارجحیت دارد!**

نوید مینائی

ریزگردها در خوزستان نفس مردم را گرفته است، اما علاوه بر تخريب عمدی محيط زيست ايران به دست حاكمان اسلامی وضعيت جهانی محيط زيست وخيم است. آب و هوای آلوده، طوفان های خانمان برانداز و پیشروی آب اقیانوس ها و خشکسالی ها می رود تا قسمت های هر چه وسیعتری از زمین را غیر مسکونی کند و فضای کمتری برای جمعیت رو به رشد زمین باقی بماند. جمعیت متراکم تر، آب کمتر دمای بالاتر غذای کمتر و با کیفیت پایین تر و همینطور گسترش بیماری های ناشی از آلودگی های زیست محیطی گریبان مردم جهان را گرفته است. این ها بخشی از داستان ها یا فیلم های هالیوودی نیست بلکه واقعیت های عریان عصر حاضر هستند که هر روزه در اخبار می شنویم. سوال این است که مقصر کیست و راه حل چیست؟

تحت تاثیر فشارها اعتراضات مردم به آلودگی آب و هوا و نابودی محیط زیستشان در نهایت سران کشورها بعد از سال ها مقاومت در مقابل این اعتراضات و همچنین در اثر وخامت اوضاع محیط زیست، در دسامبر ۲۰۱۵ سران ۱۹۵ کشور در بیانیه ای دیر هنگام و ناکافی تصمیم گرفتند تا تولید آلاینده های محیط زیست و عمدتا گازکربنیک حاصل از تولیدات صنعتی که عامل اصلی تغییرات زیست محیطی ست را در کشورهایشان کاهش دهند. دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، گفت که "این لحظه را باید به خاطر داشت و این قدم بزرگی است که کمک می کند آینده سیاره ما تامین شود.” اوباما هم این تصمیم را موفقیت بزرگی دانست. آنها تصمیم گرفتند افزایش دمای کره زمین تا سال ۲۰۵۰ را به ۲ درجه سانتیگراد نسبت به دوران پیش از صنعتی محدود کنند گرچه تصمیمات اولیه و انتظار خوش بین ترین افراد افزایش ۱و نیم درجه ای بود ولی مشکلات مالی و جنگ و جدال سران کشورها بر سر منافعشان در نهایت باعث شد حتی بر روی کاغذ هم که شده نتوانند به توافق بر سر ۱ و نیم درجه برسند و این یعنی خشکسالی های بیشتر، طوفان های ریزگرد و آلودگی های بیشتر و وسیعتر!

دلیل این همه مصیبت و مشقت مردم اثر گلخانه ای نامیده می شود. اما اثر گلخانه ای پدیده ای تماما طبیعی نیست. طبیعت و اکوسیستم زمین صدها میلیون سال در نظمی خیره کننده انواع گونه های حیات را به وجود آورده و از آن محافظت کرده است ولی فعالیت های انسانی در چیزی کمتر از ۵۰ سال آن چنان ضربات مهلکی بر آن وارد کرده که امروز صحبت از ترک زمین به دلیل اینکه در آینده ای نزدیک و قابل پیش بینی غیر قابل سکونت می شود، جدی ست.

اجازه بدهید “فعالیت های انسانی” را دقیقتر بررسی کنیم. منظور از فعالیت های مورد نظر تولید آلاینده های زیست محیطی است که اساسا حاصل فعالیت های صنعتی در چند دهه اخیر هستند. اما سوال بعدی اینست که آیا فعالیت های صنعتی دلیل اصلی این آلودگی ها هستند؟ جواب این ست که فعالیت های صنعتی که بر اساس کاهش هزینه تولید و افزایش سود و منفعت طلبی سرمایه داری سازمان داده شده اند دلیل این فجایع هستند. منطق سرمایه داری برای افزایش سود حکم می کند هزینه های تولید کم و کمتر بشوند تا سود حاصله برای سرمایه دار افزایش یابد. یکی از قربانیان همیشگی کاهش هزینه ها محیط زیست بوده است. سرمایه داری تا جایی که بتواند از طریق پنهان کاری آسیب هایی که به محیط زیست وارد می کند را مخفی می کند و جایی که نتواند با دروغ و جعل آمار خود و سازمان تولیدش را بی خطر جلوه می دهد نمونه بارزش رسوایی کارخانه خودروسازی فولکس واگن در آمریکا و در واقع همه خودرو سازان هستند که آمار آلایندگی تولیداتشان را کمتر از واقعیت نشان می دهند. با این حال خودرو سازان بزرگترین نمونه آلاینده محیط زیست نیستند صنایع نفتی و صنایع تولید انرژی در ردیفهای اول قرار دارند.

اما اثر گلخانه ای چیست؟ به طور مختصر اثر گلخانه ای یعنی افزایش دمای زمین. وقتی انرژی گرمایی جذب شده توسط زمین از نور خورشید نتواند از جو زمین خارج شود دمای زمین به مرور بالاتر و بالاتر می رود. این همان اتفاقی ست که در گلخانه های شیشه ای و یا  اتومبیل پارک شده در زیر نور خورشید می افتد و باعث می شود دمای درون گلخانه از بیرون آن بالاتر برود چرا که انرژی گرمایی وارد شده از راه شیشه ها نمی تواند از همان شیشه هایی که وارد شده خارج شود و گرما در گلخانه تلنبار می شود. برای کره زمین این پدیده در اثر تولید بیش از حد گازهای حاصل از سوخت های فسیلی که منبع اصلی انرژی صنایع است رخ می دهد. این گازها مانند جداری نامرئی دور زمین را گرفته و مانع از خروج انرژی گرمایی از جو زمین می شوند. گرچه کربن حاصل از سوخت های فسیلی اثرات دهشتناک فراوانی دارد ولی تاکید بیشتر سیاستمدارن همچنان بر گرمایش زمین است چرا که اولا این پدیده سریعتر نظم تولیدشان را تهدید می کند و دوم اینکه سایر آثار مخرب فعالیت هایشان را مخفی کنند از جمله افزایش کربن ذخیره شده در اقیانوس ها که اصلی ترین محل جذب کربن هستند و باعث تغییرات اساسی و دائمی اقلیم کره زمین و نابودی بسیاری از گونه های حیات می شود.

برای کاهش تولیدات گازهای گلخانه ای حتی در حد انتظارات کنفرانس پاریس باید روش تولید را یا تغییر داد یا برای پاکسازی آن هزینه کرد و برخی صنایع را کلا تعطیل کرد و این یعنی هزینه های سنگین برای دولت ها و سرمایه داری. آیا آنها حاضرند بخش بزرگی از تولیدات و منافعشان را تعطیل کنند تا حیات و محیط زیست کره زمین حفظ شود؟ قبلا تخمین زده بودند حداقل مبلغ لازم برای شروع کار حدود ۱۰۰ میلیارد یورو است تا کشورهای در حال توسعه بتوانند تدابیری اتخاذ کنند تا گازهای گلخانه ای کمتری در صنایعشان تولید شود ولی کنفرانس پاریس اعلام کرد این مبلغ به هیچ وجه کافی نیست. دولت اوباما وعده داده بود تا سال ۲۰۱۹ سالانه ۲۰۰ میلیون دلار به این امر اختصاص خواهد داد. یعنی بزرگترین تولید کننده آلاینده ها کمتر از یک صدم هزینه مورد نیاز را تامین خواهد کرد! این در عمل یعنی کنفرانس پاریس و تعهداتش صرفا مانور دولت ها در مقابل اعتراضات به آلودگی کره زمین ست و نه بیشتر!

همین تعهدات نصف نیمه و نمایشی ممکن بود استارتی برای کاهش آلاینده ها باشد یا در هر صورت بهتر از هیچ باشد ولی با روی کار آمدن ترامپ و نشستن او بر صدر بزرگترین اقتصاد جهان این کورسوی امید هم بسته شد. ترامپ اساسا اعتقادی به گرمایش و تاثیر مخرب الاینده های صنعتی بر کره زمین ندارد. او می گوید گرمایش و نابودی حیات در اثر فعالیت های صنعتی سرمایه داری دروغ های ساخته و پرداخته چین هستند تا صنایع آمریکا را نابود کنند. حالا هر چه دانشمندان فاکت های علمی و آمار و نمودار نشانش می دهند ایشان قبول نمی کند! ترامپ در اولین گام بودجه سازمان محیط زیست آمریکا را یک سوم کاهش داد و نمایندگان آمریکا در نشست سران ۲۰ کشور صنعتی در بادن بادن آلمان حاضر نشدند بر سر تامین بودجه لازم برای تعهدات شان در کنفرانس پاریس به توافق برسند. یعنی به راحتی برای افزایش سود سرمایه حاضر شدند حیات بر کره زمین را به سراشیبی نابودی بکشانند.

ممکن است فکر کنید که آلودگی محیط زیست و نابودی حیات دیگر طبقاتی نیست و دامان همه از جمله سرمایه داران را هم می گیرد ولی واقعیت غیر از این است! واقعیت اینست که سرمایه داری برای کسب سود بیشتر عامل اصلی این فاجعه است مثل فاجعه فقر و بی خانمانی. سرمایه داری اتفاقا برای کسب قدرت و امکانات بیشتر از جمله قدرت سرکوب جامعه دست به هر کاری می زند حتی تهدید به نابودی حیات. واقعیت اینست که بخش بزرگی از سود سرمایه داری حاصل قربانی کردن حیات و محیط زیست است و قربانی اصلی این فاجعه عموم مردمی هستند که منفعتی در این سودآوری ندارند همانطور که منفعتی در فقر و کاهش دستمزدهایشان ندارند!

با این اوصاف واقعیت ما را به راه حل می رساند. سازمان تولید بر اساس سودآوری سرمایه عامل چنین فجایعی ست اگر سرمایه داری حاضر میشد کارخانه هایش را مجهز به دستگاه های کاهش آلودگی کند اگر حاضر می شد روش های تولید انرژی پاک را با هزینه های زیاد جایگزین روش های موجود کند و از سودش صرف نظر می کرد اگر برای سود بیشتر آمار جعلی نمی داد اگر جلوی تولیدات غیر ضروری را می گرفت اگر … اگر با طبیعت هماهنگ می شد می توانست جلوی فاجعه ای که جلوی چشممان دارد اتفاق می افتد و زندگی و جان میلیارد ها نفر را دارد نابود می کند، را بگیرد. ولی واقعیت نشان داده است سرمایه داری اساسا چنین تصمیم و توانی ندارد چرا که این ها بنیان های اساسی سرمایه داری برای بقا هستند. راه حل قطعا بازسازی ساختار تولید در هماهنگی با طبیعت و بر اساس نیاز بشر به عنوان بخشی از طبیعت است. چنین ساختاری نامی جز سوسیالیسم ندارد!

امروز آنچه ضروری به نظر می رسد کاهش تولیدات صنعتی ست، کاهش شتاب تکنولوژی در هماهنگی بیشتر با طبیعت است. اینها بحث های معتبر برای نجات حیات بر روی کره زمین هستند. چنین سطحی از تولید و تکنولوژی ای که امروز بشر دارد نمی تواند بدون آثار مخرب بر طبیعت پابرجا بماند. حتی اگر همه انرژی مورد نیاز صنعت و تکنولوژی را از منابع پاک تهیه کنیم - که با دانش و تکنولوژی امروز غیر ممکن است - باز هم ادامه روند توسعه مطابق معیارهای امروز نتیجه ای جز نابودی تمدن و حیات بشری ندارد.

